

عصر جدید نیویورک

با مهاجری مسلمان

انتخاب زهران ممدانی مهاجر ۳۴ ساله ضد ترامپ و نتانیا هو به عنوان شهردار نیویورک، گویای شکست پوپولیسم، عبور از اسلام هراسی و مخالفت عینی جامعه با حمایت آمریکا از اسرائیل است



صابر| در شبی که نیویورک نفس تازه‌ای کشید، زهران ممدانی، جوان ۳۴ ساله، مسلمان و مهاجر، با عبور از سد رقیب وزیر توفان حملات بی‌امان افرادی چون دونالد ترامپ و ایلان ماسک، به عنوان شهردار بزرگ‌ترین شهر آمریکا انتخاب شد. این پیروزی، صرفاً یک جابه‌جایی قدرت محلی نبود؛ بلکه نشانه‌ای از دگرگونی عمیق در ساختار نمایندگی سیاسی، ضرورت‌های سبک زندگی شهری و آرزوهای طبقات، قومیت‌ها و حتی مشارکت نسل جدید کلان‌شهری در آمریکاست. ممدانی، متولد اوگاندا از والدینی هندی‌تبار، با وعده شهری برای همه، وارد رقابت شد؛ او در کارزار انتخاباتی‌اش وعده‌هایی چون کنترل اجاره‌ها، حمل‌ونقل شهری ارزان، مراقبت عمومی از کودکان و پایان دادن به نفوذ میلیاردرها در سیاست شهری را داد. او پیش از این هم نه تنها با صراحت از اسرائیل و جنایتش در غزه انتقاد کرده بود، بلکه در یک مصاحبه به صراحت گفته بود اگر نتانیا هو به نیویورک بپیاید، بازداشت خواهد شد. او بعد از انتخاب هم با ادبیات خودش برای ترامپ خط و نشان کشید. خلاصه در شهری که با مهاجران بنا شده و با تنوع فرهنگی بافتارش شکل گرفته، رأی‌دهندگان از برانکس تا بروکلین، از زنان جوان تا مسلمانان عرب، به ممدانی رأی دادند؛ نه فقط برای تغییر شهردار، بلکه برای بازتعریف معنای قدرت. این انتخاب، نشان داد که نسل Z، اقلیت‌ها، زنان و طبقه کارگر، دیگر تماشاگر نیستند؛ آن‌ها بازی را عوض کرده‌اند. پرونده پیش‌رو، این تحول را از چند منظر جامعه‌شناسی سیاسی، رسانه، جوانان و شهروندی واکاوی می‌کند. آن‌چه می‌خوانید فقط داستان یک شهردار نیست؛ داستان مردمی است که تصمیم گرفتند خودشان را دوباره تعریف کنند.

مردی از نیویورک واقعی

ممدانی به‌خاطر تجربه زیسته‌اش این روزها صدای آدم‌هایی است که نیویورک واقعی را تجربه کردند، شهری که با برج‌های شیشه‌ای متفاوت است

ملموس اقشار فرودست را به زبان سیاسی ترجمه کند. نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در این پیروزی حیاتی بود. در حالی که رسانه‌های محافظه‌کار او را «کمونیست دیوانه» می‌خواندند، کمپین ممدانی با بهره‌گیری هوشمندان از شبکه‌های اجتماعی روایتی مردمی از «شهردار آینده» ساخت. ویدئوهای کوتاه، جلسات محلی و گفت‌وگوهای زنده با رأی‌دهندگان، او را به چهره‌ای آشنا و قابل اعتماد برای نسل جوان بدل کرد. ائتلاف اجتماعی پشت ممدانی، یکی از متنوع‌ترین ائتلاف‌های سیاسی سال‌های اخیر بود: جوانان، مهاجران، زنان، مسلمانان، یهودیان ترقی‌خواه و مسیحیان عدالت‌طلب. در شهری که بخش زیادی از جمعیت آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند و اجاره‌ها سر به فلک کشیده، ممدانی توانست صدای کسانی باشد که سال‌ها در حاشیه مانده بودند. او با تأکید بر تجربه زیسته مهاجرت، تبعیض و نابرابری، خود را

پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک، نه صرفاً یک اتفاق سیاسی، بلکه نشانه‌ای از دگرگونی عمیق در ساختار شهری، روایت‌های رسانه‌ای و ائتلاف‌های اجتماعی در آمریکای امروز است. زهران ممدانی، ۳۴ ساله، متولد اوگاندا از والدینی هندی‌تبار و مسلمان، با شخصیتی آرام اما صریح توانست روایتی تازه از سیاست شهری ارائه دهد. او که پیش‌تر نماینده مجلس ایالتی بود، با کمپینی جسورانه و مردمی، خود را نه به عنوان یک سیاستمدار حرفه‌ای، بلکه به عنوان کسی که می‌خواهد شهر را برای همه قابل‌زیست کند، معرفی کرد. کمپین ممدانی بر سه محور اصلی بنا شده بود: عدالت اقتصادی، بازپس‌گیری شهر از میلیاردرها و بازتعریف قدرت از پایین به بالا. او با شعارهایی چون «مسکن حق است، نه کالا»، «حمل‌ونقل رایگان برای همه» و «مراقبت رایگان از کودکان تا پنج‌سالگی» توانست خواسته‌های



لرزه‌ای فراتر از نیویورک بر کاخ سفید ترامپ



امیرعلی ابوالفتح

در شبی تاریخی، بیش از دو میلیون نیویورکی – بالاترین مشارکت در انتخابات شهرداری از سال ۱۹۶۹ – به پای صندوق‌های رأی رفتند تا سرنوشت شهر خود را رقم بزنند. در این انتخابات زهران ممدانی، نماینده ۳۴ ساله مجلس ایالتی کوئینز و سوسیالیست دموکرات، با کسب اکثریت آرا بر رقیبش که به عنوان نامزد مستقل وارد رقابت شده بود، پیروز شد. این پیروزی نه تنها ممدانی را به عنوان جوان‌ترین

شهردار نیویورک در بیش از یک قرن تثبیت کرد، بلکه او را به عنوان اولین شهردار مسلمان و جنوب آسیایی شهر معرفی کرد. ممدانی، متولد اوگاندا از والدینی هندی-مسلمان، کمپینی را بر پایه مبارزه با بحران مسکن، افزایش هزینه‌های زندگی و نابرابری‌های اقتصادی بنا کرد. او قول داد «شهری مقرون به‌صرفه» بسازد؛ اجاره‌های کنترل شده، سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی و اقدامات اقلیمی جسورانه. این پیروزی، در حالی که بخشی از انتخابات پراکنده ۵ نوامبر

۲۰۲۵ بود، بخشی از موج گسترده‌تری از موفقیت‌های دموکرات‌ها به شمار می‌رود. در ویرجینیا، ایگل اسپینگر، نماینده سابق کنگره و دموکرات میانه‌رو به عنوان اولین زن فرماندار این ایالت انتخاب شد. در نیوجرسی هم میکی شریل، دیگر نماینده سابق دموکرات، فرمانداری را از آن خود کرد. این موفقیت‌ها در ایالت‌هایی که ترامپ در ۲۰۲۴ برده بود، نشان‌دهنده بازگشت دموکرات‌ها به ائتلاف چندنژادی و طبقه کارگر است. در کالیفرنیا،



تصویب پیشنهادی برای بازطراحی نقشه‌های انتخاباتی کنگره، دموکرات‌ها را قادر ساخت تا پنج کرسی جدید دموکرات‌نشین اضافه کنند. در جورجیا، دموکرات برای اولین بار در ۲۰ سال، کرسی‌های کمیسیون خدمات عمومی را بردند که بر حقوق رأی و بازطراحی تأثیرگذار است. در سینسیناتی، آفتاب‌پورال، شهردار هندی‌تبار، با شکست کوری بوئنم (برادر ناتنی جی‌دی ونس، معاون دونالد ترامپ)، دوباره انتخاب شد. این پیروزی‌های هندی-آمریکایی، از ممدانی تا پوروال و غزاله هاشمی در معاونت فرمانداری ویرجینیا، بر نقش روبه‌رشد

آسیایی‌تبارها و مسلمانان در سیاست آمریکان تأکید دارد. پیامدهای این شب، فراتر از نیویورک، لرزه‌ای بر کاخ سفید ترامپ ایجاد کرده است. در نتایج این انتخابات می‌توان ردپایی از برنامه‌های ترامپ را مشاهده کرد، برنامه‌هایی مانند مخالفت با سیاست‌های مهاجرتی سختگیرانه، تعطیلی دولت بر سر بودجه و افزایش هزینه‌ها؛ آن هم در نخستین سالگرد پیروزی دوباره دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا.

نتایج انتخابات چهارم نوامبر امسال، محکی برای انتخابات میان‌دوره‌ای سال آینده، هم در درون حزب دموکرات و هم در سرتاسر ایالات متحده است؛ این که جهت‌گیری دموکرات بعد از شکست سهمگین در انتخابات سال گذشته، چه مسیری را طی می‌کند و آیا ترقی‌خواهان و چپ‌گرایان در نهایت هدایتگر حزب خواهند شد یا مسیر توسط میانه‌روها ادامه می‌یابد. نتیجه این کشمکش جناحی در داخل حزب دموکرات می‌تواند سپهر سیاست ایالات متحده آمریکا را در انتخابات پیش‌رو ترسیم کند.

ZENDEGI-SALAM

روزنامه خراسان ضوی

پنج شنبه • ۱۵ آبان ۱۴۰۴

۱۵ جمادی الاول ۱۴۴۷

۶ نوامبر ۲۰۲۵

شماره ۲۱۹۰۸

۳۱۲۷

سنجه‌ای برای ارزیابی

سیاست‌های ترامپ



صابر گل‌عنبری

دموکرات‌ها در انتخابات آمریکای پیروزی چشمگیری به دست آوردند و جان تازه‌ای برای انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سال آینده گرفتند. اما در این میان، پیروزی زهران ممدانی در انتخابات نیویورک را چه بسا بتوان مهم‌ترین رویداد سیاسی این روزهای آمریکا و جهان پنداشت. معمولاً انتخابات کنگره و ریاست جمهوری آمریکا محل اهتمام جهان است؛ اما این بار انتخابات محلی و ایالتی هم توجهی ویژه را جلب کرد. دو عامل در این امر سهیم بود: نخست ظهور پدیده‌ای به نام زهران ممدانی و نامزدی او برای شهرداری نیویورک که ترامپ علیه او شمشیر از رو بست. دوم این که به عنوان نخستین انتخابات پس از بازگشت ترامپ به قدرت در سایه سیاست‌های جنجالی‌اش سنجه‌ای برای ارزیابی میزان مقبولیت این سیاست‌های حساس تلقی می‌شد. انتخاب ممدانی واجد دلالت‌های ژرف‌زمانی و مکانی چندوجهی است. اهمیت این انتخاب از جایگاه شهر نیویورک نشئت می‌گیرد که بزرگ‌ترین شهر آمریکا و به «پایتخت جهان» معروف است و سیاست بین‌الملل، اقتصاد و تجارت جهانی در آن به هم پیوند می‌خورند و شکل می‌گیرند. نیویورک نه‌فقط نقطه تلاقی پول و قدرت و نفوذ در آمریکاست، بلکه نمادی از دنیای پهناور کنونی با تنوع فرهنگی و نژادی هم‌هست و وجود مقر سازمان ملل در آن پژواکی از این واقعیت است. در وهله نخست، انتخاب نخستین شهردار مسلمان این کلان‌شهر ظرفیت انعطاف‌و‌ویبایی سیستم آمریکا را نشان می‌دهد؛ جایی که مهاجر مسلمان می‌تواند قد علم کند، شهردار بزرگ‌ترین شهر کشور شود و رئیس‌جمهور مهاجر سبزی را به چالش بکشد. از دیگر سو، اقشار ضعیف و به حاشیه‌رانده شده در محلاتی چون برانکس، بروکلین و کوئینز در پس‌برج‌های شیشه‌ای ثروت و اقتصاد آمریکا با غلبه بر کارتل‌های قدرت و شبکه‌های نفوذ، گزینه مطلوب خود را به امید بهبود وضعیت به ریاست شهر رساندند. وعده‌های ممدانی از جمله اصلاح اجاره‌ها، گسترش حمل‌ونقل رایگان، ایجاد فروشگاه‌های شهری برای عرضه کالاها به قیمت عمده‌فروشی و مراقبت رایگان از کودکان تا پنج‌سالگی از عوامل مهم اعتماد مردم به او بودند. شهردار شدن ممدانی مسلمان دو دهه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، عبور جامعه آمریکا از ساخته‌های ذهنی پس از آن واقعه را هم نشان می‌دهد؛ همان‌طور که می‌توان گفت این انتخاب واکنشی عمومی به مهاجرستیزی



ترامپ هم بود. پیروزی زهران ممدانی همچنین منعکس‌کننده تغییری قابل توجه در نگاه آمریکا و جهان غرب نسبت به اسرائیل است که در دو سال اخیر پس از جنگ و تسلط کشتی در غزه رخ داده است. نیویورک بعد از تل‌آویو دومین منطقه بر جمعیت یهودیان جهان با حدود دو میلیون نفر است. هر چند بسیاری از آنان با از پیش مخالف سیاست‌های اسرائیل بودند یا در جنگ غزه تغییر نگرش دادند، اما حضور کمپانی‌ها و میلیاردرهای یهودی همواره نیویورک را به مرکز لابی‌گری برای اسرائیل، تضمین تداوم حمایت همه‌جانبه از آن و پیروزی حامیانش در کنگره در ایالت‌های آمریکا بدل کرده بود. برای همین پیروزی ممدانی به عنوان مخالف جدی اسرائیل که وعده بازداشت نتانیا هو در نیویورک در صورت سفر به آن را داد، نه تنها بیانگر فروکاست نقش لابی‌های یهودی بلکه محصول تغییر نگاه آمریکا به اسرائیل به ویژه در میان قشر جوان است که نظر سنجی‌های اخیر گویای پیشی گرفتن حمایت از فلسطین در مقابل کاهش حمایت از اسرائیل است. البته جنگ غزه شکاف فکری و سیاسی در جامعه یهودی در نیویورک را هم تعمیق کرد؛ یهودیان ترقی‌خواه به ممدانی رأی دادند و میلیاردرها و لابی‌های بر نفوذ از رقیبش حمایت کردند. از دیگر عوامل برآمدن ممدانی واکنش به سیاست ترامپ در قبال جنگ غزه بود؛ او با وعده پایان دادن به جنگ، آرای جامعه مسلمان و عرب را جذب کرد، اما پس از بازگشت به قدرت دست‌نشانیه‌وار برای نسل‌کشی در غزه باز گذاشت و همین احساس خیانت را نزد این اقلیت برانگیخت و انگیزه مشارکت آنان در انتخابات نیویورک را تقویت کرد. خلاصه تغییری که از نیویورک کلید خورده است، به احتمال زیاد در انتخابات سال بعد کنگره آمریکا و در بخش‌هایی از اروپا نیز به اشکال مختلف خود را نشان دهد. هرچند راست‌افراطی‌فلا سوار بر اسب سیاست بین‌الملل است و تأیید شدن آن از قدرت، دنیا و منطقه‌خاور میانه سال‌های دشواری پیش‌رو دارد.

پایان افسانه شکست ناپذیری پوپولیسم



کورش احمدی

پیروزی ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک، یک چالش مستقیم علیه شخص ترامپ و پوپولیسم راستی است که او نمایندگی می‌کند. ترامپ مستقیماً با ممدانی سرشاخ شد، او را «صدر صدیک کمونیست دیوانه» خطاب کرد و از قطع کمک‌های فدرال به شهرداری نیویورک در صورت موفقیت او سخن گفت. با این حال، ممدانی برنده شد. پیروزی ممدانی اثبات کرد که برخلاف تصورات و تبلیغات راست‌افراطی در آمریکا و بسیاری از دیگر مناطق جهان، پوپولیسم راست شکست‌ناپذیر نیست و طیف لیبرال و سوسیال دموکرات و میانه‌رو در برابر راست‌های افراطی دست بسته نیستند. این پیروزی ضربه‌ای بر این روایت بود که پوپولیسم راست در حال اوج گرفتن است. ویژگی دیگر پیروزی ممدانی این است که او در جریان کمپین از حمایت جریان‌های اصلی سیاسی در آمریکا از جمله حزب دموکرات بر خوردار نبود و تمرکز او بر بسیج مردم‌عدایی در پایین‌ترین سطوح، جوانان و مخالفان بارهبران سنتی حزب دموکرات و تأمین مالی انتخابات از طریق شرکت‌های بزرگ بود. پیروزی او نشان داد که چنین امکانی برای چنین کاندیداهایی حتی در شهرهای بزرگ هم وجود دارد و این تحول می‌تواند روندهای مشابه را در دیگر شهرهای آمریکا تشویق کند. پیروزی ممدانی در نیویورک را باید به همراه پیروزی کاندیداها ی حزب دموکرات در انتخابات فرمانداری‌های نیوجرسی و ویرجینیا در نظر گرفت. این شکست‌هایی توانده این معنی باشد که داشتن حمایت ترامپ الزام امتیازی برای کاندیداها نیست و برعکس می‌تواند باری بر دوش آن‌ها باشد. این روند اگر ادامه یابد، می‌تواند موجب تضعیف کنترل آهنتین ترامپ بر حزب جمهوری‌خواه شود.

